



## جامعه اسرائیلی و مسأله فقر

بخش اجتماعی

### چکیده

اسرائیل با درآمد سرانه‌ای معادل ۱۷ هزار دلار به لحاظ رتبه‌بندی اقتصادی در مرتبه‌ای بالا قرار می‌گیرد، اما آمار مربوط به میزان و مختصات فقر در این کشور سیمای متفاوتی را به تصویر می‌کشد. در این مقاله مسأله فقر و ویژگی‌های کمی و کیفی آن در اسرائیل، با تأکید بر بررسی تحلیلی گسترش فقر در جامعه یهود مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

### سرآغاز

فقر یک پدیده جهانی است که از دیرباز بسیاری از جوامع بدان مبتلا بوده‌اند، گرچه شدت و ضعف آن از نقطه‌ای به نقطه دیگر متفاوت است. فقر هنگامی رخ می‌دهد که انسان توانایی فراهم کردن حداقل معیارهای غذا، لباس، مسکن و درمان را برای خود و خانواده‌اش نداشته باشد. وقتی افرادی نتوانند منابع کافی جهت تأمین حداقل نیازهای مربوط به سلامتی و کارایی جسمانی خود را که غالباً با معیار کالری یا درجه تغذیه اندازه‌گیری می‌شود، به دست آورند، «واژه فقیر» بر آنان اطلاق می‌شود. (۱) حجم فقیران یک جامعه به تعداد افرادی بستگی دارد که توان تأمین ضروریات فوق‌الذکر را ندارند. با این تعبیر، هنگامی در یک جامعه فقر ریشه کن می‌شود که هر کس بتواند ضروریات اساسی زندگی را برای خود و خانواده‌اش تأمین نماید. با توجه به تحول سریع جوامع و همچنین

میزان توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی کشورها، می‌توان گفت سطح فقر یک امر مطلق و ثابت و فراگیر نیست، بلکه در بین جوامع گوناگون و حتی در داخل یک جامعه طی زمانهای متفاوت، درجات مختلفی به خود می‌گیرد.

### سیمای اسرائیلی فقر

اسرائیل در رتبه بندیهای اقتصادی - اجتماعی امروز جهانی، با درآمد سرانه‌ای در حدود ۱۷ هزار دلار، جزء کشورهای صنعتی و پیشرفته طبقه‌بندی می‌شود، مختصات «فقر» این کشور البته با جهان صنعتی، متفاوت است. به گفته باربارا سویرسکی، مدیر مرکز مطالعات اجتماعی ادنا\* در تل‌آویو، طی سالهای (۱۹۸۵ تا ۱۹۹۸) جمعیت زیر خط فقر در این کشور از ۱۱/۴ درصد به ۱۸/۲ درصد افزایش یافته است. (۲) این رقم به معنای آن است که امروزه اقشار فقیر در اسرائیل، بیش از فقرای کشورهای صنعتی و حتی بیشتر از درصد فقیران کشورهای در حال توسعه مانند برزیل، کلمبیا، اردن، مراکش، اندونزی، چین، ایران و... می‌باشد. آمار مربوط به فقر در اسرائیل از اوایل دهه ۷۰ به طور مستمر توسط سازمان ملی بیمه\*\* جمع‌آوری و همه ساله طی گزارشی به دولت ارائه می‌شود. تعریفی که از فقر توسط سازمان بیمه اسرائیل پذیرفته شده یک تعریف نسبی است که بر اساس آن زمانی یک خانواده فقیر محسوب می‌شود که استانداردهای سطح زندگی آن بطور قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر از میانگین استاندارد سطح زندگی جامعه قرار گرفته باشد. هر چند استاندارد سطح زندگی، یک مفهوم چند بعدی است و بر جنبه‌های متعددی از زندگی مثل درآمد، مسکن، بهداشت، آموزش و... دلالت دارد، اما در اسرائیل اندازه‌گیری میزان فقر

\* EDNA

\*\* National Insurance Institute (NII).

تنها بر پایه آمار مربوط به «دستمزد و درآمد» که یک پدیده رایج و قابل دسترسی است، محاسبه می‌گردد. «خط فقر» در اسرائیل عبارت است از «نصف معدل کل دستمزدهای جامعه». (۳) جدول زیر با استناد به آمار گزارشهای سالانه سازمان بیمه اسرائیل و در رابطه با جمعیت زیر خط فقر در این کشور تهیه شده است. (۴)

□ جدول شماره ۱ - جمعیت زیر خط فقر در اسرائیل به تفکیک دوره زمانی

سال	جمعیت کل کشور	جمعیت زیر خط فقر
۱۹۸۹	۴/۵۵۹/۶۰۰ نفر	۲۴۰/۰۰۰ نفر
۱۹۹۰	۴/۸۲۱/۷۰۰	۵۳۷/۷۰۰
۱۹۹۱	۵/۰۵۸/۸۰۰	۵۶۲/۰۰۰
۱۹۹۲	۵/۱۹۵/۹۰۰	۶۱۶/۵۰۰
۱۹۹۳	۵/۳۲۷/۶۰۰	۶۴۸/۹۰۰
۱۹۹۴	۵/۴۷۱/۵۰۰	۶۷۱/۵۰۰

جدول فوق نشانگر یک روند صعودی در جمعیت افراد زیر خط فقر در اسرائیل طی اوایل دهه ۹۰ میلادی می‌باشد، به گونه‌ای که تعداد فقرا، طی سالهای (۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴) با تقریباً ۱/۵ برابر افزایش از ۳۴۰ هزار نفر به ۶۷۱/۵۰۰ نفر رسیده است. با در نظر گرفتن مسأله آغاز مهاجرت جمعی یهودیان روسی به اسرائیل در ابتدای دهه ۹۰ ملاحظه می‌شود شدت افزایش تعداد فقرا در طول این دهه از سالی به سال دیگر متفاوت بوده است بین سالهای (۱۹۸۹ تا ۱۹۹۰) در حدود صد هزار نفر بر تعداد فقرا افزوده شده و در سال (۱۹۹۰ تا ۱۹۹۱) در حدود ۲۵ هزار نفر، بین سالهای (۱۹۹۱ تا ۱۹۹۲) در حدود ۵۴ هزار نفر، حد فاصل سالهای (۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳) در حدود ۳۲ هزار نفر و از سال (۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴) نیز ۲۳ هزار نفر بر جمعیت زیر خط فقر در اسرائیل اضافه شده است. در نیمه اول دهه ۹۰ میلادی در اسرائیل پدیده‌هایی چون فقر و بیکاری شدیداً تحت تأثیر مهاجرت‌های جمعی

یهودیان از کشورهای اتحاد شوروی سابق قرار داشته است، به طوری که نرخ بیکاری کشور در سال ۹۲ به رقم بی سابقه ۱۲ درصد رسید. در سال ۱۹۹۴ به گفته اورانامیر، وزیر کار و امور اجتماعی وقت، در حدود ۶۰ درصد از فقرا در سال ۱۹۹۴ بیکاران تشکیل می دادند. (۵)

از اقصای عمده‌ای که در این سالها داخل اسرائیل گرفتار فقر بوده‌اند می توان سالمندان، خانواده‌های پرجمعیت و کارگری یهودیان شرقی تبار، مهاجران تازه وارد روسی و همچنین کودکان نام برد. به گزارش روزنامه یدیعوت احرونوت\* در سال ۹۴ میلادی در حدود ۲۶ درصد از سالمندان، ۲۵ درصد از خانواده‌های کارگری، ۲۱ درصد از مهاجران تازه وارد روسی و بیش از ۲۰ درصد از کل جمعیت کودکان اسرائیلی و همچنین درصد قابل توجهی از خانواده‌هایی که سرپرست آنها را زنان تشکیل می دهند، زیر خط فقر قرار داشته‌اند. بنا بر همین گزارش، در آن دوره زمانی فقیرترین شهرهای اسرائیل را بیت المقدس، بنی براق و تعدادی از شهرهای در حال توسعه (اقامتگاه اصلی یهودیان شرقی اسرائیل) تشکیل می دادند. در آن سال ۲۵ درصد جمعیت شهر «بنی براق» زیر خط فقر قرار داشته‌اند که از این جمعیت فقیر حدود ۴۰ درصد را کودکان و خردسالان تشکیل داده بود. در «بیت المقدس» نیز ۲۵ درصد از کل جمعیت زیر خط فقر قرار داشته‌اند که ۳۵ درصد از جمعیت فقیر این شهر، کودکان گزارش شده‌اند. جمعیت زیر خط فقر در شهرهای «پتخ تیکوا» و «رامات گان» نیز ۸/۴ درصد بوده است. در «تل آویو» یک چهارم و در «نتانیا» نیز یک سوم خردسالان زندگی فقیرانه‌ای داشته‌اند. (۶) در اواخر سال ۱۹۹۳ یک گزارش سالیانه ویژه وضعیت کودکان در اسرائیل که توسط دکتر اسحاق کادمن رییس شورای سلامتی کودکان اسرائیل تهیه و به نخست وزیر وقت اسحاق رابین ارائه شد، نشان می دهد در سال مزبور ۲۶۱ هزار و ۷۰۰ کودک اسرائیلی زیر خط فقر بوده‌اند که مجموعاً

\* روزنامه یدیعوت احرونوت، ۱۹۹۵/۱۲/۷.

۷۵ درصد از این کودکان، در دو شهر بیت‌المقدس و بنی‌براک زندگی می‌کنند. از این کودکان زیر خط فقر بیش از ۲۰۰ هزار نفر در خانواده‌هایی زندگی می‌کردند که سرپرست آنها بیکار بوده و همین تعداد نیز در خانواده‌های تک سرپرست زندگی می‌کرده‌اند. در این گزارش، دکتر کادمن تصریح می‌کند که در مقایسه با کشورهای پیشرفته، وضعیت کودکان در جامعه اسرائیل پایین‌ترین جایگاه را به خود اختصاص می‌دهد. (۷) این در حالی است که به گزارش سازمان بیمه اسرائیل در سال ۱۹۹۱ از ۵۶۲ هزار نفر کل جمعیت زیر خط فقر اسرائیل ۲۳۴ هزار و ۶۰۰ نفر را خردسالان تشکیل داده بودند. بنا بر همین گزارش، از کل تعداد تازه مهاجرین روسی سال ۱۹۹۱ به اسرائیل ۹۹ هزار و ۸۰۰ نفر از جمله ۳۳ هزار و ۴۰۰ کودک به لحاظ اقتصادی زیر خط فقر قرار داشته‌اند. (۸) گزارش‌های رسمی وزارت کار و سازمان بیمه اسرائیل به کنگره جهانی توسعه اجتماعی در شهر کپنهاگ (۱۹۹۵ میلادی) نیز حاکی از نرخ نگران‌کننده فقر در بین کودکان و زنان اسرائیلی در اوایل دهه ۹۰ بوده است.

بر اساس این گزارش‌ها در سال ۱۹۹۳، در حدود ۲۰ درصد از تمام کودکان اسرائیلی در خانواده‌هایی زندگی می‌کرده‌اند که درآمد آن خانواده‌ها زیر خط فقر قرار داشته است. فقر در خانواده‌های اسرائیلی که سرپرست آنها را زنان تشکیل می‌دهند، بیشتر از خانواده‌هایی است که سرپرست آنها را مردان تشکیل می‌دهد. در اسرائیل تقریباً <sup>۱</sup>۳۳ درصد خانواده‌هایی که دارای فرزند بوده و سرپرستی خانواده بر عهده زنان می‌باشد فقیر بوده‌اند. وضعیت فقر خانواده‌های بچه‌دار که سرپرست آنها مرد بوده تنها ۱۵ درصد گزارش شده است. (۹) البته آمارهای رسمی معمولاً واقعیت را کمتر از آن مقداری که در جامعه وجود دارد نشان می‌دهد و به همین دلیل برخی منابع دیگر یهودی و اسرائیلی ارقام و آمارهای متفاوتی را در این رابطه ذکر کرده‌اند. در هر حال، روند صعودی فقر در منابع مختلف آماری قابل تأمل به نظر می‌رسد.

بر اساس آمارهای شورای ملی کودکان \* تعداد ۴۳۸ هزار کودک یعنی ۲۲/۸ درصد از کل کودکان اسرائیلی در سال ۱۹۹۴ زیر خط فقر زندگی می‌کرده‌اند. از این تعداد ۱۳۳ هزار کودک در خانواده‌هایی زندگی می‌کردند که کل درآمد ماهانه آنان توسط صندوق رفاه اجتماعی و بیمه ملی پرداخت می‌گردید. همچنین بخش عمده کودکانی که در فقر زندگی می‌کنند در شهرهایی چون «بنی‌براک»، «بیت‌المقدس»، «نتانیا»، «بئر‌سبع»، «سدروت»، «اوافکیم» و «تل‌شوا» قرار داشته‌اند. اشرین آریه کارشناس و مدیر سالنامه آماری شورای ملی کودکان اسرائیل، تأکید می‌کند که فاصله اجتماعی میان جوانان فقیر و ثروتمند کشور از جنبه‌های معیشتی به زمینه‌های دیگری چون امور آموزشی و نحوه گذراندن فراغت در حال گسترش است. (۱۰) در سالهای نیمه اول دهه ۹۰ وضعیت فقر به ویژه در رابطه با کودکان، به گونه‌ای بوده که در تعدادی از شهرها با کمک دولت مؤسساتی ایجاد و در بین فقرای خردسال روزانه یک وعده غذای گرم به طور رایگان توزیع می‌کرده‌اند. (۱۱) در این سالها نرخ نگران‌کننده فقر در کهنسالان، خانواده‌های پرجمعیت، خانواده‌های بیکار و خانواده‌های تک‌سرپرست یهودی، دولت را بر آن داشت تا برنامه‌هایی را به منظور کاهش فقر تدوین کند و در دستورالعمل کاری خود قرار دهد.

شروع شدن اجرای تدابیر دولت و همزمانی آن با آغاز مذاکرات صلح فلسطینی - اسرائیلی و حمایت‌های مالی آمریکا و اروپا جهت پیشبرد طرح صلح خاورمیانه، موجبات سیر صعودی رشد اقتصادی را طی سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ فراهم نمود و جریانی از سرمایه‌گذار یهای خارجی در اسرائیل به راه افتاد به گونه‌ای که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی \*\* کشور که در سال ۱۹۹۳ در حدود ۳/۴ درصد بود، در سال ۹۴ به ۶/۸ درصد و در

\* National Council for the Child

\*\* Gross Domestic Production (GDP)

سال ۱۹۹۵ به ۷/۱ درصد رسید. (۱۲) این موضوع تأثیر خود را بر نرخ فقر که از ابتدای دهه ۹۰ تا سال ۹۴ روند صعودی داشت بر جای گذاشت و باعث شد در سالهای ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ نرخ فقر ثابت بماند و حتی اندکی کاهش یابد. لیکن با ترور رابین و روی کار آمدن نتانیا هو و حاکمیت راستگرای افراطی، دوباره دوران جدیدی از «رکود اقتصادی» بر کشور حاکم شد و پدیده‌هایی چون بیکاری، فقر، تفرقه و ناامنی رو به افزایش گذارد. (۱۳)

طی دو سال و اندی که نتانیا هو در رأس دولت قرار داشت دهها اعتصاب توسط کارگران، کارمندان و بیکاران در رابطه با مشکلات مختلفی که این اقشار در اثر تعدیل اقتصادی سریع گرفتار آن شده بودند به وقوع پیوست. این دوره را می‌توان یکی از پرکارترین فصول تاریخ اتحادیه کارکنان اسرائیل (هیستادروت) در زمینه سازماندهی اعتصابات بزرگ و سراسری دانست. نگاهی به آمارهای رسمی منتشر شده نیز از روند نزولی پرشتاب وضعیت و نرخ رشد اقتصادی کشور طی این دوران حکایت می‌کند. آمار مربوط به نرخ رشد تولیدات داخلی اسرائیل طی سالهای (۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸) در جدول زیر ذکر شده است: (۱۴)

□ جدول شماره ۲: نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی (GDP) در اسرائیل طی سالهای اخیر

سال	نرخ رشد GDP به درصد
۱۹۹۳ میلادی	۳/۴
۱۹۹۴	۶/۸
۱۹۹۵	۷/۱
۱۹۹۶	۴/۶
۱۹۹۷	۲/۲
۱۹۹۸	۲

Source: Israeli Government Press Office, Israeli Ministry of Finance, Israeli Central Bureau of Statistics and Israeli Year book 1998.

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، از ابتدای دوره حاکمیت نتانیا هو رشد اقتصادی آهنگ نزولی به خود گرفت و این حالت موجب کاهش روزافزون بهای واحد پول اسرائیل (شیکل)، بالا رفتن تورم، افزایش قیمت‌ها و بیکاری چشمگیر در سطح جامعه شد. قدرت خرید مردم به سرعت کاهش یافت و فشارهای سنگینی بر طبقات کارگری، تازه مهاجران روسی، خانواده‌های پرجمعیت خریدی\* و همچنین خانواده‌های تک‌سرپرست و دیگر اقشار کم‌درآمد وارد شد. در سال ۱۹۹۵ وضعیت اقتصادی به گونه‌ای بود که هر دلار تقریباً معادل ۲/۱ شیکل بود اما در سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ بهای هر یک دلار آمریکا به بیش از ۴ شیکل رسید. کاهش برابری ارزش شیکل در مقابل ارزهای خارجی، باعث شد خط فقر برای یک خانواده ۴ نفری در اسرائیل که طی سال ۱۹۹۵ تنها ۲۲۵۰ شیکل بود در سال ۱۹۹۷ به ۴۳۰۰ شیکل و در سال ۱۹۹۸ به ۴۸۰۰ شیکل افزایش یابد و بدین ترتیب پدیده فقر، بخش‌های مهمی از جمعیت یهودیان و بیشتر عرب‌های اسرائیل را که درآمد ماهیانه‌شان کمتر از مبلغ مورد نظر بود، تحت پوشش خود قرار داد. گزارش‌های سالیانه سازمان ملی بیمه اسرائیل نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۷ در حدود ۱۷/۸ درصد از کل جامعه در زیر خط فقر زندگی می‌کرده‌اند. در سال ۱۹۹۸ رقم مزبور از مرز ۱۸ درصد نیز فراتر رفت و در این سال یک میلیون و بیست و یک هزار نفر از جمعیت اسرائیل در زیر خط فقر قرار گرفتند. (۱۵) بدین ترتیب گستره فقر در اسرائیل هم اکنون بیشتر از گستره فقر در کشورهای در حال توسعه‌ای چون مراکش، اردن، اندونزی، برزیل و... به نظر می‌رسد و حجم فقرای این کشور به تعداد فقرای کشورهای یمن، آلبانی، شیلی و رومانی نزدیک شده است.

با استناد به گزارش سال ۱۹۹۸ سازمان بیمه ملی اسرائیل به نظر می‌رسد توزیع طبقاتی فقر به شرح زیر بوده است:

\* یهودیان ارتدوکس افراطی را «خریدی» می‌نامند.



الف: میانگین دستمزد ثروتمندترین قشر ۱۰ درصدی جمعیت، حدود ۱۲ برابر بیشتر از میانگین دستمزدها در کم‌درآمدترین قشر ۱۰ درصدی جمعیت بوده است.

ب: ۲۴/۷ درصد از کل خانواده‌های تک سرپرست به ویژه خانواده‌هایی که سرپرست آنها را زنان تشکیل می‌دهند در زیر خط فقر قرار داشته‌اند.

ج: ۲۴/۸ درصد از کودکان اسرائیلی در سال ۱۹۹۸ زیر خط فقر قرار داشته‌اند و مجموعاً بنا به گفته‌ی ایللی‌یشای وزیر کار و رفاه اجتماعی ۴۴۰ هزار کودک زیر خط فقر و یاد ر آستانه فقر زندگی می‌کنند. (۱۶)

د: ۱۸/۷ درصد از خانوارهایی که سرپرست آنها را کهنسالان تشکیل می‌دهند، (۶۳ هزار خانوار) در زیر خط فقر زندگی می‌کرده‌اند.

ه: ۳۵ درصد از خانواده‌های پرجمعیت یعنی خانواده‌های دارای ۴ فرزند و بیشتر (عموماً این خانواده‌ها را یهودیان خریدی و عربهای اسرائیلی تشکیل می‌دهند) در زیر خط فقر قرار دارند.

بنا به همین گزارش شهر «بنی‌براک» که اکثریت ساکنان آن را یهودیان ارتدوکس افراطی (خریدی‌ها) تشکیل می‌دهند، در سال ۱۹۹۸ فقیرترین شهر در اسرائیل بوده و بعد از آن به ترتیب شهرهای «بیت‌المقدس» و «بئر‌سبع» قرار می‌گیرند. در هر کدام از سه شهر مذکور بیش از ۳۰ درصد کل خانوارها در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. آمارهای منتشر شده توسط سازمان بیمه‌ی اسرائیل نشان می‌دهد، در سال ۱۹۹۸ در شهرهای بنی‌براک و بیت‌المقدس به ترتیب ۳۵/۲ و ۳۳/۴ درصد از مردم زیر خط فقر قرار دارند. فقر در بنی‌براک یک پدیده‌ی کاملاً مرتبط با یهودیان خریدی است، اما در بیت‌المقدس بخشی از فقر مربوط به فلسطینی‌های ساکن در شرق بیت‌المقدس می‌باشد. اگر ساکنان شرقی بیت‌المقدس از محاسبات آماری سال ۹۸ حذف گردند، نرخ فقر در بیت‌المقدس مقداری پایین می‌آید و به رقم ۱۹/۷ درصد می‌رسد، ولی در هر حال، باز هم پایتخت مورد ادعای اسرائیل،

دومین شهر فقیر کشور را تشکیل می‌دهد. (۱۷) به گزارش سازمان بیمه، کمترین میزان فقر در شهر «هرتسلیا» مشاهده شده است، چرا که در سال ۹۷ تنها ۳/۲ درصد و در سال ۹۸ تنها ۳/۳ درصد از جمعیت آن زیر خط فقر زندگی می‌کرده‌اند.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود طی دهه ۹۰ پدیده فقر در اسرائیل رشد سریعی از رشد جمعیت داشته است. در حالی که جمعیت اسرائیل از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۸ تنها در حدود ۳۳ درصد رشد داشته است، جمعیت زیر خط فقر این کشور از ۴۴۰ هزار نفر به ۱/۰۲۱ میلیون نفر رسیده است (در حدود ۱۳۰ درصد رشد) بنابراین، آهنگ رشد نرخ فقر طی دهه اخیر، تقریباً ۴ برابر نرخ رشد جمعیت در اسرائیل است. در این قسمت از مقاله ذکر جملاتی از «آوراهاام دورون» استاد علوم اجتماعی دانشگاه عبری و کارشناس در زمینه «فقر و رابطه آن با نظام اجتماعی» که در گفتگو با روزنامه جروزالم‌پست بیان کرده مفید به نظر می‌رسد:

«در حالی که ثروتهای زیادی در اسرائیل وجود دارد، وجود چنین حجم بزرگی از شهروندان که در زیر خط فقر زندگی می‌کنند شگفت‌آور است. به درصد و نسبت‌ها نباید نگرست، بلکه تعداد و تیپ مردمان زیر خط فقر را باید مورد توجه قرار داد. اگر چه هنوز به مرحله شورش گرسنگان نرسیده‌ایم اما وجود چنین پدیده‌ای، بهداشت و سلامت روانی جامعه را تهدید می‌کند و می‌تواند در آینده‌ای نه چندان دور، رشته‌های پیوند اجتماعی را از هم بگسلد...» (۱۸)

## ویژگیهای فقر اسرائیلی

در اسرائیل عوامل گوناگونی زمینه ساز و تداوم بخش فقر است. از جمله متغیرهایی که بر موضوع فقر در این کشور به ویژه در رابطه با جامعه یهودیان اسرائیل تأثیرات جدی دارند

موارد زیر را می‌توان نام برد:

الف: نرخ بیکاری بالا در بخش‌هایی از جامعه و ساختار ناموزون نیروی کار  
ب: شکاف طبقاتی درآمدها و توزیع ناعادلانه ثروت‌های اجتماعی به همراه دستمزدهای  
پایین در مشاغل کارگری

ج: الگوی زندگی طفیلی وار به همراه نرخ بالای فرزندزایی در یهودیان حریدی  
د: اتکا به کمک هزینه‌های دولتی به عنوان فرهنگ حاکم بر ذهنیت فقیران یهودی  
در این بخش از مقاله، توضیحات مختصری در پیرامون عوامل فوق که به تعبیری  
عوامل خاص فقر اسرائیلی تلقی می‌شوند، ارائه می‌گردد. یکی از دلایل عمده‌ای که  
زمینه‌ساز فقر در جامعه اسرائیل محسوب می‌شود، ساختار ناموزون نیروی کار در این  
کشور است. بخش قابل توجهی از «جمعیت فعال» و کسانی که در سن کار قرار دارند  
(۱۵ تا ۶۴ ساله) فعالیت و تولید اقتصادی انجام نمی‌دهند و فقط مصرف‌کننده‌اند. هزاران  
نفر از دانشجویان متأهل مدارس مذهبی (یشیوا) که تنها حرفه تمام وقت خود را مطالعه  
«تورات» و «تلمود» و «شولخان آروخ» و... می‌دانند، خارج از نیروی کار قرار دارند. بسیاری  
از زنان (۵۳/۷ درصد) عملاً در صحنه کار و فعالیت قرار ندارند. هزاران سرباز، افسر و  
درجه‌دار نظامی و مأمور امنیتی نیز خارج از چرخه کار و تولید قرار گرفته‌اند. علاوه بر این،  
گروه‌های اجتماعی خاص دیگری مانند عرب‌ها، بنا به دلایل مرتبط با ساختارهای جمعیتی،  
قومی، نژادی، اقتصادی و امنیتی امکان حضور فعال در بازار کار را از دست داده‌اند و به دلیل  
ممنوعیت انجام خدمت سربازی، امکان ورود به بسیاری از مشاغل برای آنها اساساً  
وجود ندارد. آن دسته از تازه‌مهاجران یهودی که در سال‌های اخیر از اتیوپی و یا کشورهای  
آسیای میانه به اسرائیل آمده و از دانش و مهارت فنی اندکی برخوردارند و تعدادشان نیز کم  
نیست، هنوز توان جذب در بازار کار و در پیش گرفتن یک زندگی مستقل را پیدا نکرده‌اند.  
بدین ترتیب در حال حاضر اسرائیل از تمام ظرفیت جمعیت فعال خود استفاده نمی‌کند و به

عقیده کارشناسان، امروزه تنها ۵۳/۶ درصد از اسرائیلیها کار و بقیه مصرف می کنند. (۱۹) نسبت وابستگی \* یا همان بار تکفل معیشتی در اسرائیل دو بوده و تقریباً دو برابر بار تکفل در کشورهای صنعتی و پیشرفته است. به عبارت دیگر، در این جامعه یک نفر باید کار کند تا دو نفر مصرف کنند. کم کاری و بیکاری در بخشهایی از جامعه یهودی ناشی از عدم توان انجام کار به دلایل جسمانی یا شرایط اجتماعی - اقتصادی است و در بخشهای دیگری از جامعه یهودی این حالت ناشی از عدم میل و رغبت به کار و فعالیت و قبول فرهنگ فقر و تسلیم شدن به یک زندگی طفیلی وار اجتماعی می باشد.

در بخش اول، گروههای اجتماعی چون کهنسالان، مهاجران تازه وارد روسی، خانواده های زن سرپرست، کودکان و نوجوانان فقیر و حتی عربهای اسرائیل را می توان قرار داد. این گروههای اجتماعی تمایل به مشارکت فعال در بازار کار دارند، اما بنا به دلایل جسمانی و یا شرایط جبری محیطی، امکان حضور فعال در نیروی کار را هنوز پیدا نکرده اند. آمار فقر گرچه در این گونه گروههای اجتماعی بالا است، اما فقر آنان ریشه در عوامل برونزا و خارج از کنترل آنان دارد و در بیکاری و تنگدستی آنان عوامل بیرونی دخالت مؤثری دارد. در بخش دوم، گروههای اجتماعی چون خریدیها (اعم از یهودیان سفاردی و اشکنازی) و همچنین یهودیان شرقی تبار ساکن در شهرهای در حال توسعه جای می گیرند. آمار فقر در این گروههای اجتماعی نیز بالاست اما به نظر می رسد فقر آنان، ریشه در عوامل درونزا و تحت کنترل ارادی آنان داشته باشد. یهودیان ارتدوکس افراطی که در شهرهایی چون «بنی براک»، «بیت المقدس» و شهر کهای یهودی مستقر در کرانه باختری تمرکز دارند، عمدتاً زود از دواج می کنند، بیش از چهار فرزند دارند و هیچ تمایلی نسبت به انجام هرگونه کار و فعالیت (غیر از مطالعه دروس مذهبی) نشان نمی دهند و

\* Dependency Rate

علاوه بر این، زنان آنها نیز عمدتاً خانه‌دار و مصرف‌کننده‌اند و مشارکتی جدی در بازار کار اقتصادی جامعه ندارند. برنامه‌تنظیم خانواده در باره خانوارهای خریدی بی‌معناست و آموزش‌های مدارس مذهبی، آنان را برای عهده‌دار شدن هیچ شغل فنی یا خدماتی در جامعه، آماده نمی‌سازد. اتکای آنان بر مستمری‌های دولتی است که ماهانه به آنان پرداخت می‌شود و به یک چنین زندگی عادت کرده و آن را پذیرفته‌اند.

بسیاری از ویژگی‌های الگوی اسکار لوئیس\* در رابطه با «فرهنگ فقر» بر جامعه خریدی در اسرائیل انطباق پیدا می‌کند. (۲۰) امروزه زندگی فقیرانه و طفیلی‌وار، یک فرهنگ پذیرفته شده و رایج در بین یهودیان ارتدوکس افراطی است، بطوری که نسبت به خواسته‌های مطرح شده جامعه مبنی بر لزوم انجام خدمت سربازی و مشارکت در فعالیتهای اقتصادی به شدت عکس‌العمل نشان می‌دهند. گروه دیگری از فقرا که فقر آنان را عوامل درون‌زا تشکیل می‌دهد، طبقات کارگری یهودیان شرقی تبار و ساکن در شهرهای در حال توسعه‌اند. این گروه در پیدایش زمینه‌های فقر محیطی خود بی‌تقصیر می‌باشند، زیرا سیاستهای تبعیض‌آمیز دولتهای اسرائیل طی دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ بر ضد یهودیان شرقی تبار در بسیاری از زمینه‌ها مانع از آن شد که شرقی‌تبارها بتوانند همپای یهودیان اشکنازی و غربی تبار، تحرک اجتماعی صعودی داشته باشند. اینان در تداوم فقر خود نقش مؤثر دارند زیرا به مرور زمان، تمایلات جدی خود نسبت به کار و فعالیت و نیل به پیشرفت اقتصادی را از دست داده و تا حدود زیادی خود را با نوعی زندگی نیمه طفیلی‌وار عادت داده‌اند.

پژوهشهایی که اخیراً توسط دو تن از اساتید دانشگاه بن‌گوریون، درباره «عوامل محلی مؤثر بر بیکاری» در تعدادی از شهرهای در حال توسعه جنوب و مرکز

\* Oscar Lewis

اسرائیل، یعنی سکونت‌گاه طبقات کارگری یهودیان شرقی تبار انجام گرفته، نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از اهالی این مناطق به نوعی از زندگی خو گرفته‌اند که نیمی از سال را به صورت موقت کار کنند و بخش دیگر سال را از طریق دریافت بیمه بیکاری روزگار بگذرانند.

این خانواده‌ها چنین سبکی از زندگی را به فرزندانشان خود انتقال می‌دهند بطوری که در نسلهای بعدی نیز تلاش و فعالیت قابل توجهی برای رسیدن به امکانات و زندگی بهتر به چشم نمی‌خورد. (۲۱) البته عاملی که این حالت را تثبیت و تشدید می‌کند آن است که در این شهرها، عمدتاً فرهنگ کار دشواری حاکم است. در بسیاری از کارخانه‌ها، معمولاً صحبت از حقوق اجتماعی، مزایا، اضافه کار و روز تعطیل و مرخصی و... خنده‌دار و بی‌معنا است. تاملی در آمار و ارقام مربوط به دستمزدها در شهرهایی چون «اوافاکیم» و... انسان را به تعجب می‌اندازد که چرا عده بیشتری از اهالی این شهرها به جای کار کردن از بیمه بیکاری استفاده نمی‌کنند، زیرا آنچه بیمه بیکاری به آنان می‌پردازد، در همان حدی است که اگر کار کنند دستمزد می‌گیرند. در سال ۱۹۹۷ با توجه به آمارهای مرکز آمار اسرائیل ۴۶/۶ درصد از شاغلین شهر در حال توسعه «اوافاکیم»، حقوق ماهانه‌شان مطابق با حداقل دستمزدهای کشور و یا حتی پایین‌تر از آن بوده است. (۲۲) بدین ترتیب این گونه خانواده‌ها با پذیرش وضعیت موجود، وارد «تله فقر» \* می‌شوند که رهایی از آن مقرون به صرفه نیست. (۲۳) برای بسیاری از خانواده‌های فقیر که به خاطر پایین بودن سطح درآمد و دستمزدها، از مزایا و کمک هزینه‌های رفاهی دولت استفاده می‌کنند، گریختن از تله فقر دشوار است. در صورتی که این خانواده‌ها بکوشند از طریق اشتغال و فعالیت اقتصادی بیشتر، درآمدهایشان را افزایش دهند، این افزایش درآمد ممکن است از دو طریق خنثی

\* Poverty Trap

شود: یکی بر اثر از دست دادن کمک هزینه‌های رفاهی دولتی و دوم بر اثر الزام به پرداخت مالیات بر درآمد. بدین ترتیب رهایی از تله فقر برای چنین خانواده‌هایی دشوار می‌گردد. در بحث از فقر در اسرائیل به یک نکته مهم و اساسی دیگر نیز باید اشاره داشت. اگر کمک هزینه‌های دولتی خصوصاً پرداختهای سازمان بیمه به خانواده‌های کم‌درآمد وجود نداشت، جمعیت ۱۸/۲ درصدی زیر خط فقر اسرائیل به ۳۴ درصد افزایش می‌یافت. (۲۴) کمک هزینه‌های ارائه شده در حدود ۵۰ درصد از سطح فقر عمومی کاسته و نرخ آن را از ۳۴ درصد به ۱۸/۲ درصد رسانده است. اما بخشهایی از طبقات فقیر را به نوعی زندگی طفیلی گونه عادت داده است. نکته دیگری که در پایان این بخش از مقاله اشاره بدان ضروری است مسأله وجود شکاف طبقاتی درآمدها و دستمزدها در جامعه یهودی می‌باشد. آمار و ارقام منتشر شده رسمی، از رشد شکاف درآمد بین اقشار فقیر و ثروتمند حکایت می‌کند. بخش ۱۰ درصدی از جمعیت پردرآمدترین لایه‌های اجتماعی جامعه، در حدود ۲۸ درصد از کل درآمد ناخالص ملی را به خود اختصاص می‌دهند، در حالی که سهم بخش ۱۰ درصدی از جمعیت کم‌درآمدترین لایه‌های اجتماعی جامعه، تنها ۲ درصد از کل درآمد ناخالص ملی است و بطور میانگین دستمزد گروه اول ۱۲ برابر دستمزد گروه دوم می‌باشد. (۲۵) شکاف درآمدها به گونه‌ای است که اسرائیل پس از آمریکا، مقام دوم را در زمینه نابرابری توزیع درآمدها داراست. تداوم و تعمیق توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد در اسرائیل نیز یکی از عوامل مهم و مؤثر بر پیدایش و تداوم فقر در جامعه است.

## فرجام

امروزه اسرائیل گرچه یک جامعه صنعتی و پیشرفته تلقی می‌شود، اما پدیده فقر در تار و پود حیات اجتماعی این کشور تنیده شده و در سالهای اخیر روندی روزافزون را نشان می‌دهد. وضعیت فقر در این کشور به ظاهر پیشرفته و صنعتی به وضعیت فقر در بسیاری از

کشورهای در حال توسعه شبیه است. بخشهای مهمی از جمعیت، چنان در چنگال فقر گرفتار شده‌اند که با توجه به ساختار کنونی سیاسی-اجتماعی امکان رهایی آنان در کوتاه مدت دشوار به نظر می‌رسد. گرچه تعریف پذیرفته شده از فقر در جامعه اسرائیل همانند کشورهای صنعتی، یک تعریف نسبی و معادل «محرومیت نسبی»، است اما گروههای اجتماعی قابل توجهی (با توجه به آمارهای رسمی و یا مندرج در مطبوعات) گرفتار محرومیت مطلق و فقر مطلق می‌باشند، زیرا امکان تهیه ضروریات اساسی زندگی برایشان به شدت دشوار شده است.

طی سالهای اخیر، فقر در جامعه اسرائیل سیر صعودی قابل توجهی به خود گرفته و نرخ رشد فقر، آهنگی بسیار سریعتر از نرخ رشد جمعیت در این کشور پیدا کرده است و این روند، با روی کار آمدن دولت باراک نیز متوقف نشده است. فقر در اسرائیل پاره‌ای ویژگیهای عام و برخی ویژگیهای خاص دارد؛ ویژگیهای عام؛ همانهایی هستند که در هر جامعه دیگری زمینه‌ساز فقر هستند، ولی ویژگیهای خاص؛ آن دسته از ویژگیهایی هستند که فقط در این محیط اجتماعی (اسرائیل) فعال یا شبه فعال بوده‌اند. عوامل اختصاصی فقر تا حدود زیادی مربوط به ساختار طبقات فقیر، به ویژه در بین جامعه یهودی این کشور است. فقر طبقات فقیر در این کشور در برخی ناشی از عوامل درون‌زا و در برخی دیگر ناشی از عوامل برون‌زا است که در مجموع می‌توان عوامل و دلایلی چون ساختار ناموزون نیروی کار، عادت به کم‌کاری و بیکاری، وجود تبعیض نژادی و قومی در توزیع ثروت و امکانات اقتصادی، اتکا به کمک هزینه‌های دولتی و... را نام برد.

اکثر عوامل فوق در شرایط حاضر همچنان کارکرد فعال را در عرصه‌های اجتماعی انجام می‌دهند و بنابراین به نظر می‌رسد روند صعودی فقر، در سالهای آتی نیز همچنان تداوم یابد.



## یادداشت‌ها:

- ۱- فرجساده محمد حسین، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات. (تهران: انتشارات بدر، چاپ پنجم ۱۳۷۱) ص ۲۹۵
- ۲- مصاحبه با روزنامه انگلیسی جروزالم پست، ۱۹۹۸/۱۱/۲۶.
- ۳- روزنامه دافار، ۱۹۹۵/۱۲/۲۵.
- ۴- روزنامه معاریو ۱۹۹۴/۱۲/۸ و بولتن ماهانه اداره مرکزی آمار اسرائیل در رابطه با موضوع جمعیت (ژانویه ۱۹۹۹).
- ۵- یدیعت احرونوت، ۱۹۹۵/۱۲/۷، مقاله بنی‌براک فقیرترین شهرها، نوشته عوزی کلاین.
- ۶- همان.
- ۷- روزنامه اردنی الدستور، ۱۹۹۳/۱۲/۳۰.
- ۸- الدستور، ۱۹۹۲/۱۲/۳۰.

9- Israel National Report, World Summit for Social Development. (Copenhagen. 1995).

10- Jewish Bulletin, Northern California, March 22, 1996.

۱۱- روزنامه حداشوت مورخ ۱۹۹۳/۳/۲۷

12- [www.us-israel.org/jsource/Economy/growth.html](http://www.us-israel.org/jsource/Economy/growth.html)

13- Haaretz daily, Dec. 24, 1999, "Avraham Tal"

14- Op. cit.

15- [www.jpost.co.il](http://www.jpost.co.il), Dec. 21, 1999.

16- [www.jpost.co.il](http://www.jpost.co.il), Dec. 20, 1999.

17- Op. Cit.

۱۸- روزنامه جروزالم پست، ۳۰ دسامبر ۱۹۹۸.

19- "24 hours of poverty", Avraham Tal, Haaretz daily, Dec. 24, 1999.

۲۰- نامه علوم اجتماعی، تیرماه ۱۳۵۳ ... ص ۱۳۳.

21- Ibid

22- Baruch Kra, "Can Ofakim Save Itself?", Haaretzdaily, Jan. 14, 1999.

کرامبی امبر و ترنر هیل. فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان. (تهران: نشر چاپخش، ۱۳۷۶). ص ۲۹۶.  
۲۳- ابر کرامبی و هیل ترنر همان پیشین ص ۲۹۶

24- www. Jpost. co. il, Dec. 21, 1999.

25- www. jpost. co. il, "One Million People Below Poverty Line", Dec. 20, 1999.

26- "A Societal Dilemma", Nehmia Strasler, Haaretzdaily, April 26, 1999.

### منابع و مأخذ:

فرجاد محمد حسین، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات (تهران: انتشارات بدر، چاپ پنجم، سال ۱۳۷۱).

رابرتسون یان، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه حسین بهروان. (تهران: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، سال ۱۳۷۴).

ابر کرامبی و هیل ترنر، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان. (تهران: نشر چاپخش، سال ۱۳۷۶).  
دانشکده تعاون و علوم اجتماعی دانشگاه تهران، نامه علوم اجتماعی، انتشارات دانشکده تعاون و علوم اجتماعی. (تهران: دانشگاه تهران، دوره ۱ شماره ۴، تیرماه ۱۳۵۳).

مجله پیام یونسکو، «پیشرفت ملتها». (تهران: انتشارات دفتر یونسف در تهران، تابستان ۱۳۷۳).  
روزنامه‌های اسرائیلی هآرتس، جروزالم پست، یدبعوت احرونوت، دافار، معاریو و حداشوت (نسخه انگلیسی).  
روزنامه‌اردنی الدستور

Jewish Bulletin, Northern California, Mars. 22.1996.

Israel National Report, World Summit for Social Development. Copenhagen, 1995.

Monthly Bulletin of Statistics, "population", Israel, Jan 1999

www. us- israel. org/jsourc/Economy/ growth. html

www. ssc. wisc. edu/irp/fag2. htm

www. oecd. org/dac/ Indicators/hm/ data- pov. htm